

انعکاس فرهنگ عامه در منظومه ی خسرو و شیرین نظامی به همراه شرح و توضیح و نقد و زیباشناسی نمونه ها *

**بتول محمدیان

***دکتر تراب جنگی قهرمان

چکیده

منظومه ی خسرو و شیرین نظامی مدتهاست که مورد توجه ادب دوستان قرار گرفته است و آثار نظامی آئینه زندگی نمای مردم قرن ششم است. هرکس در آن تصویر خود و محیط زندگی و روابط اجتماعی و سنن ملی و مذهبی خویش را ناظر است و هر اثری که این خصوصیت را داشته باشد مورد توجه خواهد بود. این اثر دلنشین کمال مطلوب ایرانیان گذشته را در زندگی مادی و معنوی و ذوقیات ظاهر می سازد. به علاوه از مقایسه و تطبیق آن با وضع زندگانی و مقتضیات امروزی دنیا می توان فهمید که ایرانی امروز برای آنکه قومیت خود را از دست ندهد و در آینده نیز ایرانی و از ملل دیگر ممتاز بماند، چه کمال مطلوب و عقیده و ایمانی را باید تعقیب کند.

در این تحقیق سعی شده است با شناخت و استخراج و تبیین باورهای عامیانه در شاهکار حکیم نظامی، «منظومه خسرو و شیرین» ضمن بیان معنی و مفهوم باور عامیانه مورد بررسی قرار گیرد.

واژه های کلیدی: فرهنگ عامیانه، نظامی گنجوی، خسرو و شیرین

*این مقاله مستخرج از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد می باشد که از حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی برخوردار بوده است.

**دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۲۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۴/۳

مقدمه

ادبیات هر قوم از جمله داستانهای محلی و فولکلور به بیان روحیات آن قوم می پردازد و در هر دوره بیانگر آرزوها، آمال، افکار و آثار و آئینه روحیات و اخلاق و عادات مردم آن قوم محسوب می شود. برای شناختن حقیقت یک ملت باید به ادبیات آن ملت رجوع کرد. مطالعه ی فرهنگ عامه ما را به روحیات گذشتگان که تمدن و فرهنگ عصر کنونی زائیده افکار و اندیشه های ایشان است، آشنا می کند

شعر نظامی را از آن بابت که در آن به جنبه های مختلف فرهنگی، فکری، اقتصادی و جنبه های اجتماعی، که همگی در زبان، ادبیات و من جمله شعر گرد آمده اند را، انعکاسی از فرهنگ توده دانسته و به اجمال به بررسی آن خواهیم پرداخت. در این مقاله سعی شده است که این تاثیرات در حوزه زبان و ادبیات، در حوزه ی معیشت و مشاغل مردم و ابزارآلات گوناگون زندگی مردم، در حوزه ی آداب و رسوم مختلف، در حوزه ی علوم و فنون و مملکت داری و ضرب المثلهای رایج بر زبان مردم مورد بررسی قرار گیرد.

بیان مسأله

شاخص فرهنگ مردم و عامه و نمونه های آن یکی از عناصر مهم شعر خاصه اشعار داستانی به شمار می رود به تعبیر دیگر مطالعه ی چنین عناصری در ادبیات، تحقیقی در شیوه های زندگی مردم در دوره های مختلف می باشد که در جای خود از اهمیت ویژه ای برخوردار است روابط انسان ها، آمالها، اندیشه ها و هر نوع از موارد مربوط به زندگی مردم و در هر دوره ای رنگ ها و شکل های متنوعی به خود می گیرد حال اگر این موارد با بیان و تعبیر زیبای شاعرانه همراه و توأم شود می تواند به ما در تقویت و نگه داری رسوم و سنت ها کمک شایانی نماید ..

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

نظامی از جمله شاعران بزرگ و ردیف اول شعر فارسی است بدون گمان در اشعار داستانی به عنوان نفر اول شناخته می شود بنابر این هر تحقیقی در این زمینه - یا بیشتر موارد - می تواند به

مناظره‌ی نوعی " نظامی شناسی " تلقی شود که راه ورود به عظمت شعر و شاعری او را به ما نشان می‌دهد و جایگاه رفیع شاعر را بر همگان برملا می‌سازد .

پیشینه تحقیق

بطور کلی نمونه‌های فراوانی از تأثیر و انعکاس فرهنگ عامه در آثار (خمسه) نظامی وجود دارد . بعضاً به شکل مقایسه‌ای و تطبیقی بین آثار نظامی و شاعران داستان پرداز دیگر پرداخته شده است .

در زمینه آثار نظامی و خصوصاً خسرو و شیرین مهمترین منابع به این ترتیب می‌باشد :

۱ - پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد از دکتر زرین کوب که به بررسی و توضیح خمسه نظامی پرداخته است .

۲ - ادبیات توصیفی در ایران از لطفعلی صورتگر که در یک بخش از آن به توضیح در باره شعر نظامی می‌پردازد .

۳ - چشمه روشن از غلامحسین یوسفی ، در بخشی از این کتاب نیز در باره نظامی بحثی را می‌بینیم .

۴ - زندگی نظامی ، مجتبی برزآبادی که در طی آن شعر نظامی مورد بررسی قرار گرفته است

۵ - گنجینه حکمت در آثار نظامی ، منصور ثروت که به بحث و بررسی پیرامون آثار نظامی می‌پردازد .

۶ - نظامی شاعر داستانسرا ، علی اکبر شهابی که داستان خسرو و شیرین را به صورت نثر می‌آورد و توضیحی هم در زمینه اشعار داستانی نظامی می‌دهد .

۷ - آرمانشهر زیبایی ، سعید حمیدیان که در زمینه شعر نظامی و خصوصاً توصیفهای او بحثی را ترتیب داده است .

۸ - سیمای دو زن ، علی اکبر سیرجانی که در آن شخصیت شیرین و لیلی مورد مطالعه قرار گرفته است .

جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

با توجه به این که خصوصاً موضوع فرهنگ عامه در منظومه خسرو و شیرین و به هدف تحلیل زیبا شناسی تحقیقات جامعی صورت نگرفته است از این نظر می تواند جنبه ها و شاخص های نوآوری را دارا باشد .

هدف تحقیق

تحقیق پایان نامه به طور کلی به منظور دست یابی به اهداف کلی در مورد نظامی شامل سبک شاعر ، دوره تاریخی مربوط و عناصر سازنده ی آن شکل خواهد گرفت که با این توصیفات بیش تر جنبه ادبی به خود می گیرد ، گر چه نباید فراموش کرد تحقیق مذکور می تواند هدف کاربردی و طرح در مراکز فرهنگی و تبلیغاتی از نهادهای مختلف فرهنگی - ایران شناسی باشد .

این رساله گامی در جهت تحلیل و بررسی پنج عنصر زبان و ادبیات ، فرهنگ و اعتقادات ، علوم و فنون ، آداب و رسوم اجتماعی و آداب و رسوم درباری برگرفته از منظومه پربار خسرو و شیرین نظامی گنجوی است . این عناصر مجموعه هایی از قواعد زندگی اجتماعی و طلیعه طرح مسائل جامعه شناسی ادبیات فارسی در قلمرو جهانی است و پاسخگوی نیاز رسانه ها و مردم به ادبیات در زمینه های خانوادگی و اجتماعی و تعامل با همه طبقات مردم هست و از سویی کارآمدی ادبیات فارسی را که در بهترین تصاویر و تعبیر ها عرضه شده است در عرصه جامعه اثبات می کند و بدیهی است که حاصل نتیجه تجربه بشر در طول تاریخ می باشد که توسط افراد جامعه سینه به سینه و نسل به نسل انتقال یافته است و میراثی گرانبها از گذشتگان است ، این جستار در شعر نظامی بیانگر این مفهوم است که شاعر در طیف وسیعی از عناصر فرهنگی عامیانه و رسوم دیرینه این مرز و بوم در شعر خود استفاده کرده است .

سؤال تحقیق

- ۱ - تأثیر فرهنگ عامه در آثار نظامی خاصه منظومه خسرو و شیرین چیست ؟
- ۲ - حجم تأثیر آن چه اندازه است ؟
- ۳ - نحوه پیوند موضوع زیبا شناسی با نمونه های مربوط به فرهنگ عامه چیست ؟

فرضیه تحقیق

فرض در (عنوان) پایان نامه مزبور بر این است که جلوه های موجود در فرهنگ عامه در شعر نظامی علاوه بر توجه شاعر و علاقه مندی وی نسبت به هنجارشکنی رایج، نوعی احساس مردم گرایی و مردم دوستی است ..

روش کار و تحقیق

تدوین این پژوهش پس از انتخاب موضوع طی هشت مرحله انجام یافته است .:

۱- شناسایی منابع و مأخذ

۲- مطالعه منابع اصلی و فرعی و فیش برداری از آنها

۳- مطالعه کامل ابیات خسرو و شیرین و فیش برداری از بیت ها در رابطه با مضمون مورد نظر

۴- جستجو و جمع آوری اطلاعات و فیش برداری از مطالب بدست آمده در رابطه با ابیات

برگزیده و نمونه در خصوص موضوعی خاص

۵- بازخوانی و طبقه بندی فیش های تهیه شده

۶- تهیه و نگارش پیش نویس پژوهش

۷- ارائه پیش نویس و فیش ها خدمت استاد راهنما

۸- تنظیم و تحریر نهایی متن

آشنایی با فرهنگ عامه

مفهوم فرهنگ

انسان، زمانی انسان شد که «فرهنگ» آفرید. فرهنگ مجموعه پاسخ های انسان است به پرسش ها نیازهای گوناگون ناشی از ضروریات زندگی در جامعه و طبیعت. در واقع، فرهنگ حاصل رفتار و کردار انسان هایی است که در جامعه زندگی می کنند. ادوارد تایلور «فرهنگ را مجموعه پیچیده ای می داند که شامل دانش ها، باورها، هنر، اخلاقیات، حقوق، آداب و رسوم و دیگر عادات و توانایی هایی که انسان به عنوان عضو جامعه آن را داراست.» (به نقل از ستوده، ۱۳۸۸

ش، ۹۷)

تعریف فرهنگ عامه (فولکلور)

" فولکلور از دو کلمه « فلک » و « لر » ترکیب یافته است . در زبان انگلیسی (Folk) به معنی مردم است و (Lore) به معنی دانش . پس فلکلر یعنی دانش مردم که در زبان فارسی به نامهای گوناگون فرهنگ مردم ، فرهنگ توده ، فرهنگ عوام ، فرهنگ عامه و یا توده شناسی نامیده شده است . فلکلر علم سنن ، مراسم ، معتقدات ، آداب و رسوم ، افسانه ها ، ترانه ها و آداب و سنن یک قوم و یا یک سرزمین را در بر می گیرد ، اعم از عامیانه و عالمانه . " (ماسه ، ۱۳۷۸ ش ، پیشگفتار)

نظامی توجه خاصی به فرهنگ عامه در داستان اشرافی خسرو و شیرین دارد .

با وجود اینکه خسرو و شیرین منظومه عاشقانه درباری است و به طور طبیعی عناصر شعری و ساختار آن مربوط به حوزه ادبیات رسمی و پادشاهی می شود علی رغم آن نظامی با توجه به شاخص های شعری خود همچنان این منظومه را با عناصری غنی از ادبیات عامه پر معنا و پر محتوا می سازد. توجه خاصی که نظامی به مردم، حوزه امور مردم، فرهنگ مردم و نیاکان خود داشته است باعث شده است همچنان حتی در اشعاری مانند خسرو و شیرین به انعکاس زندگی مردم و نشانه های فرهنگ عامه توجه خاصی داشته باشد.

نظامی شاعر توانای داستانپرداز قرن ششم (حدود ۵۳۰ - حدود ۶۱۶) هجری قمری می باشد که با زیرکی تمام با استفاده از زبان رایج مردم و اشاره به آداب و رسوم و رفتار و کردار آنان در اشعار خود توانسته است شعرش را جاودانه سازد چرا که آثار هنری و بویژه ادبی هر قدر هم گرانقدر و با استفاده از فنون بیانی و بدیعی ساخته و پرداخته شود ولی اگر از جنس زبان مردم و عامه نباشد گسترش نیافته و رایج نمی گردد رمز موفقیت نظامی در آن است که از مردم برای مردم و به زبان مردم سخن می گوید این روش باعث بوجود آمدن شیوه و سبکی جدید گردیده است که خود در اشعارش به نام « طرز غریب» از آن یاد می کند .

سخن بی حرف نیک و بد نباشد
همه کس نیک خواهد خود نباشد
ولی آن کز معانی بی نصیب است
بداند کاین سخن طرزی غریب است

(ص ۴۴۶ - ب ۱۳-۱۲)

شاعر به زیبایی بیان می دارد که هیچ حرفی از خوب و بد خالی نیست و همگان می خواهند که خوب بگویند اما نمی شود ولی با اینهمه اگر کسی خرده گیر نباشد می پذیرد که سخن من طرزی غریب است .

باید اذعان داشت «طریقه» و یا در اصل سبکی که نظامی از آن به عنوان «طرز غریب» یاد می کند عبارت از روش نوظهوری است که در زبان شاعر اتفاق افتاده است . به این معنی که غرابت نزد او لحن تازه ای از بیان شاعرانه است لحنی که طی آن تلاش شاعر مبنی بر انتقال هر چه بیشتر احساسات و عواطفش به ذهن مخاطب به بهترین وجه ممکن صورت گرفته است و یکی از شاخصه های آن روش و سبک توجه فوق العاده به فرهنگ عامه است.

از طرفی همانگونه که شعر نظامی مورد دلخواه و پسند عامه می باشد مورد توجه و پسند خواص و نخبگان نیز بوده است زیرا در کنار مردمی بودن زبانش ، شعرش استوار و لطیف و مستحکم است و هرگز به سبکی و ابتذال نگرانیده است در اشعار او ابیات بسیاری یافت می شود که پس از گذشت بیش از هشت قرن و تحقیق و جستجوهای صاحب نظران علم و ادب هنوز بر سر شرح و تفسیر آن ابیات نظر واحدی بیان نشده است و این نشانه توانایی حکیم بزرگوار در به کار گیری انواع صنایع بدیعی و بیانی از قبیل مجاز و استعاره و تشبیه و کنایه در اشعارش می باشد به طوری که اصطلاحات و استعارات و تشبیهات او دارای مضامین بکر و افکار و اندیشه های بدیع است.

توانایی این شاعر گرانمایه به حدی است که توانسته است برای یک موضوع واحد بارها و بارها و به انواع مختلف تصویر سازی کند به عنوان مثال طلوع صبح را با تشبیهات متفاوتی به تصویر کشیده است.

در وصف طلوع خورشید با استفاده از اصطلاح «پنج نوبت زدن» که خاص دربار پادشاهان بوده است بیان می‌دارد که مرغان دهل ساز پنج نوبت برزدند تا بر تخت روان فلک، خورشید به شاهی برآمد و روز دمید.

در آوردند مرغان دهل ساز سحرگه پنج نوبت را به آواز
بدین تخت روان با جام جمشید به سلطانی برآمد نام خورشید

ص ۱۳ - ب ۵ - ۴

شاعر با ترسیم به تخت نشستن پادشاه، خورشید را مانند شاه و مرغان را مانند دهل زنان و آسمان را مانند تخت روان تصویر کرده است (استعارهٔ مکنیه)
(مرغان، سحر، آواز) (دهل زن، پنج نوبت زن) (تخت، جام، جمشید، سلطان، خورشید)
تناسب دارند

در ابیاتی دیگر شاعر می‌گوید که: روز دیگر سفرهٔ کبود آسمان از تنور صبح زردی می‌گرفت یعنی خورشید طلوع می‌کرد.

دگر روزی که خوان لاجوردی گرفتی از تنور صبح زردی
همان پیشینه رسم آغاز کردی تنور و خوانی از نو ساز کردی

ص ۲۷۷ - ب ۳ - ۲

خوان لاجوردی کنایه از آسمان و تنور صبح، استعاره از خورشید است. «تشبیه صبح به تنور» و «تجسم آسمان به صورت سفره و خوان» با تکیه بر زندگی مردم صورت گرفته است.

حوزه زبان و ادبیات

نظامی برای مردمی کردن شعرش علاوه بر استفاده از لحن و زبان صمیمی و واژگان و ترکیبات عامی به تصویرسازیهای عامه پسند نیز پرداخته است و یا از تلمیحات و کنایاتی که در اذهان مردم سابقه دارد استفاده کرده است. بیشتر اتفاق می‌افتد که نظامی در اشعار خود با توسل به ابزارهای مختلف زبانی از جمله تکرار و تضاد کلمات و جملات و افعال، کاربرد خاص پسوند و پیشوند ها، استفاده از کاربرد حروف ربط و همپایگی، جابه جایی ارکان دستوری و یا حتی

جملات منثور توانسته شعر خود را به زبان مردم پیوند زده و ارتباط شعری خود را با زبان عامه مردم قوی و استوار سازد. باید گفت نظامی در این مرحله از شاعران کم نظیر محسوب می شوند.

زبان عامیانه

از پیشوند های مورد علاقه نظامی « نیم » است که ریشه آن را باید در زبان عامیانه جست .

چو مرغی نیم کشت ، افتان و خیزان ز نرگس بر سمن سیماب ریزان

(ص ۳۵۰ - ب ۱۳)

شاعر پس از رفتن خسرو ، شیرین پشیمان را به مرغی نیم کشت تشبیه کرده است. وجه شبه محذوف ببقارای و دست و پا زدن است. نرگس ، سمن ، سیماب به ترتیب استعاره از چشم ، صورت و اشک می باشد

(افتان ، خیزان) تضاد (حرف س) تکرار

زمانیکه فرهاد در حال کوه کندن به عشق شیرین زاری می کند، با خود می گوید :

خیالت را پرستشها نمودم و گر جرمی جز این دارم جهودم

(ص ۲۴۳ - ب ۳)

جز پرستش خیال تو گناهی ندارم و اگر نه چنان است و من دروغ گفته باشم بدان که از دین برگشته و جهود شده ام . « اگر نه جهودم » کلام شکل مکالمه عامیانه دارد و بسیار زیباست و در محاوره مردم مسلمان محتوی بدترین نوع دشنام و سخت ترین سوگندی است که کسی در باره خود به زبان می آورد .

ترکیبات واصطلاحات عامیانه

همچنین بخش وسیعی از واژگان شعر نظامی بر گرفته از زبان مردم است. مانند:

از ترکیبات و مصطلحات برگرفته از زبان مردم که نظامی به کار برده است می توان به

مواردی مانند « شیرینی » در معنی « رشوه » نیز اشاره داشت .

نخستش خواند باید با صد امید زر افشانی بر او کردن چو خورشید

به زر نز دلستان، کز دین بر آید بدین شیرینی از شیرین بر آید

(ص ۲۲۸ - ب ۱۰ و ۱۱)

شیرینی: در اینجا به معنی رشوه است و همچنان در بین مردم به این معنی رواج دارد (شیرین)، (شیرین) جناس و زر افشانی کردن شاه به نور افشانی خورشید تشبیه شده است. در بیت مذکور هنگامیکه خسرو، از عشق فرهاد به شیرین، آگاه می شود؛ در کار فرهاد با نزدیکان و محرمان مشورت می کند و آنان مطرح می سازند مگر با دریافت چنین رشوه ای فرهاد از عشق شیرین منحرف شود.

آنکاره

برون شد حاجب شه بارشان داد شه آنکاره دل در کارشان داد

(ص ۱۲۲ - ب ۸)

شه آنکاره: یعنی شاهی که کارش معاشقه و مغالزه با دختران بود. کلمه‌ی «آنکاره» لغت عامی بازاری است ولی حکیم نظامی بسیار اتفاق می افتد که کلمات عامی و بازاری را از حسن استعمال مقبول و خاص می کند. (نظامی، دستگردی، ۱۳۸۳ ش، ۱۲۲) کاملاً محسوس است که نظامی چگونه از این واژه مفهوم کنایی و ایهامی آن را اراده می کند.

تصویرسازی

تصویری از چرخه ی نخ ریزی و پیرزن برای تفهیم آنکه گردش چرخ و افلاک بدون گرداننده ممکن نیست در واقع شاعر با تصویر ساده و زیبایی یکی از اساسی ترین مباحث فلسفی - کلامی را مطرح کرده است و آن هم اعتقاد به وجود آفریننده و نگاهدارنده جهان است.

از آن چرخه که گرداند زن پیر قیاس چرخ گردنده همی گیر
اگر چه از خلل یابی درستش نگردد تا نگردانی نخستش
چو گرداند ورا دست خردمند بدان گردش بماند ساعتی چند

(ص ۷ - ب ۴-۲)

(چرخه، چرخ) جناس (چرخه، چرخ، گرداند، گردنده) تناسب و در بیت سوم (گرداند، گردش) تناسب

تلمیحات

اشاره به داستان قارون

اشاره به داستان قارون در قرآن کریم سوره مبارکه قصص ۷۶ - ۸۳ ، عنکبوت ۳۹ ، و مؤمن ۲۴ ، آمده است .

شاعر در وصف به می نشستن خسرو بر تخت طاقدیسی فرصت را مغتنم شمرده و به پرهیز از زیاده خواهی اشاره کرده است .

ببین قارون چه برد از گنج دنیا نیرزد گنج دنیا رنج دنیا

به رنج آید به دست ، این خود سلیم است چو از دستت رود ، رنجی عظیم است

۲۷۵ - ب ۱۰

یعنی با رنج گنج به دست آوردن پسندیده است و عیبی ندارد ، ولی سختی و عذاب وقتی است که گنج دنیا از دست برود . . (گنج - رنج) جناس

کنایات

خواب خرگوش :

به چشم آهوان ، آن چشمه ی نوش دهد شیرافگنان را خواب خرگوش

ص ۵۱ - ب ۱۱

خواب خرگوش : کنایه از غفلت و بیهوشی است. چشم آهوان: یعنی آهوان چشم (همان ، ۵۱) (چشم ، چشمه) جناس و (آهو ، شیر ، خرگوش) تناسب . چشمه نوش استعاره از شیرین است .

خواب خرگوش ، خوابی که خرگوشان کنند خوابیکه یکی از دو چشم باز یا هر دو چشم نیم باز باشد . خواب خرگوش دادن ، اغفال کردن ، فریب دادن (دهخدا، ذیل خواب خرگوش)

مهر یخ بر زر نهادن :

توانی مهر یخ بر زر نهادن فقاعی را توانی سر گشادن

ص ۱۴ - ب ۶

وحید دستگردی در توضیح این بیت مهر یخ بر زر نهادن را کنایه از ترک گفتن دانسته و گفته است یعنی می توانی به ترک زر گفته و فردوسی وار سیم ما را در بهای فقاع داده و بگویی : به من جز بهای فقاعی ندادند .

"در حالی که بهروز ثروتیان طی توضیحات مبسوطی آورده است که معنی کنایی بیت دارای ابهام یا محتمل الضدین است : توانی مهر یخ بر زر نهادن : الف - یعنی هر قدر هم کم ببخشیم آن قدر می بخشیم که بر زر مهر یخ بزنی و همانند یخ ، زر را آب کنی و به مصرف برسانی ، یا آنقدر داری که در نهایت فراخی و بی دلهره زندگی کنی ، خلاصه بخشندگی کنی . ب - اگر مزدت ندهیم می توانی بر زر مهر یخ بزنی و آن را نادیده بگیری و نابود شدنی انگاری و در واقع محبت آن را بر دل نهی و بگویی که سکه زر همچون یخ است و تمام شدنی . (نظامی ، ثروتیان ، ۱۳۶۶ ش ، ۷۶۷)

«مهر یخ بر زر نهادن» به معنای نابود و تلف کردن از ابداعات نظامی بوده و شاهدهی غیر از بیت فوق در لغت نامه ی دهخدا مشاهده نگردید . «رو یخ بنویس» که امروزه در مقابل کسی که طلبش را می خواهد گفته می شود ظاهراً بازمانده همین کنایه می باشد که هنوز بر زبان مردم جاری است یعنی طلبت را نابود و تلف شده بدان .

معیشت مردم

همچنین برای نزدیکتر شدن به مردم و روحیات آنها از تمامی فضاها و ابزار و وسایل زندگی ، آداب و رسوم مردم بهره برداری نموده است

نظامی به زیبایی از آنچه مربوط به پخت و پز و خوراک می شود استفاده نموده و در اشعارش گاهی به مطبخ ، گاهی به بستو و نیز گاهی به زیربا که همگی برخاسته از زندگی روزمره مردم است اشاره می کند .

مطبخ

هنگامی که شیرین از راندن خسرو پشیمان می شود در تنهایی با خود می گوید :

ز مطبخ بهره جز آتش نبودت وزان آتش نشاط خوش نبودت

ازان آتش برآمد دودت اکنون پشیمانی ندارد سودت اکنون

ص ۱۷۳ - ب ۳ - ۲

دود برآمدن از آن آتش کنایه از آه کشیدن از آتش حسرت می باشد. (مطبخ ، دود ، آتش)
تناسب تکرار حرف (ش) به زیبایی و آهنگین کردن کلام افزوده است .

مطبخ : جایی که در آن خوراک پزند ؛ آشپزخانه . ج . مطابخ . (معین ، ذیل واژه مطبخ)

بستو

در گفتگویی خسرو به شیرین می گوید :

چو گردون با دلم تا کی کنی حرب ؟ به بستوی تهی می کن سرم چرب

ص ۳۳۶ - ب ۵

بستو : به فتح اول ، ظرف سفالین کوچک . یعنی تا کی با من جنگ می کنی ؟ لختی از در آشتی
درآ ، اگر چه حقیقت نداشته باشد ، و لافل از بستوی تهی بی روغن سرم را چرب کن (نظامی ،
دستگردی ، ۱۳۸۳ ش ، ۳۳۶)

سر کسی را چرب کردن به کنایه با سخنان فریبنده او را امیدوار کردن ، چرب زبانی کردن .

زیربا

شیرین در پاسخ خسرو که در عشق او بی تابی می کند ؛ می گوید :

ولیک امشب شب در ساختن نیست امید حجره وپرداختن نیست

هنوز این زیربا در دیگ خام است هنوز اسباب حلوا ناتمام است

ص ۳۳۵ - ب ۱۴ - ۱۳

زیر با : نوعی از مطبوخ است که دارای زیره می باشد. (همان ، ۳۳۵) (زیربا ، دیگ ، حلوا ،

خام) تناسب

مشاغل و ابزار کار

از دیگر مسائل روزمره زندگی مردم شغل و پیشه و ابزارآلات مربوط به آن می شود شاعر در بسیاری از ابیات خویش به این بخش از زندگی مردم پرداخته است و به مشاغلی نظیر آهنگری و یا ابزاری مانند تبر اشاره می کند .

بازرگان

در گفتگویی خسرو به شیرین می گوید :

چو بازرگان صد خروار قندی چه باشد گر به تنگی در نبندی ؟

ص ۱۴۴ - ب ۶

چو بازرگان صد خروار قندی به ار با من به قندی در نبندی

ص ۱۴۸ - ب ۷

در وصف مجلس به تخت نشستن خسرو می آورد :

ز بازرگان عمان در نهانی به ده من زر خریده، زرّ کانی

ص ۲۷۶ - ب ۹

بازرگان عمان : یعنی تاجری که از دریا در و گوهر استخراج می کرد. (همان، ۲۷۶)

تبر

خسرو پس از باز گشتن از قصر شیرین ، در حالی که خشمگین است می گوید : با آنکه مانند نارون کلاه در پیش نهادم و مانند سرو در مقابلش ایستادم ؛ ولی :

کله چون نارون پیشش نهادم به استغفار چون سرو ایستادم

تبر بر نارون گستاخ می زد به دهره سرو بن را شاخ می زد

ص ۳۴۶ - ب ۵ - ۴

نارون (نار + ون = بن) : درخت انار ، کله چون نارون پیش کسی نهادن : کنایه از سجده بردن و خمیدن است ؛ برای خدمت و گرمی داشت . خم شدن شاخه های انار را در حالیکه پر از انار است به خم شدن انسانی که کلاه در دست دارد و آن را پیش کسی می گذارد ؛ همانند کرده است

با تبر نارون و با دهره شاخ سروین را زدن : بالکنایه باغ و باغ دوستی آرزوها را ویران کردن است (نارون ، سرو) (تبر ، دهره) (بن ، شاخ ، تبر) تناسب
دهره : نوعی حربۀ دسته دار که دسته اش آهنین و سرش مانند داس است . داس . (معین ، ذیل
واژه دهره)

آداب و رسوم عروسی و عزا

از دیگر ویژگیهای شعر نظامی توجه خاص به آداب و رسوم مربوط به امور مختلف زندگی مردم از جمله عروسی و عزا می باشد به طوریکه به کوچکترین مسائل در این موارد توجه داشته و چیزی از دیده باریک بین و تیز بین او مخفی نمانده است او حتی به تمامی وسایل مربوط به آرایش عروسان و یا کافور شستشوی مردگان نیز اشاره می کند .

حنا

در عروسی خسرو و شیرین خادمان خاص شاه حنا بر دست داشتند.
ز دست خاصگان پرده شاه
نشد رنگ عروسی تا به یک ماه
همیلا و سمن ترک و همایون
زحنا دستها را کرده گلگون

ص ۳۹۴ - ب ۸ - ۷

« در دکانهای سمساری ایران نوعی کفش قالوش مانند و پاشنه بلندی یافت می شود که از مرمر ساخته شده و می گویند موقع حنابستن پاها را روی آن قرار می دادند. آنها به دست و پایشان حنا می بندند خواه عوام باشند و خواه از خانواده های متشخص و این کار را به ویژه در زمستان انجام می دهند و می گویند حنا بستن بیش از آنکه زینت بشمار رود برای جلوگیری از ترک برداشتن دست و پا صورت می گیرد. » (ماسه، ۱۳۸۷، ۱۴۰)

هفت قلم آرایش

شیرین در شب عروسی هر هفت قلم آرایش مرسوم را داشت .
برون آمد ز طرف هفت پرده
بنامیزد ، رخی هر هفت کرده

ص ۳۹۰ - ب ۸

بنامیزد : به نام ایزد (بسم الله) ، چشم بد دور .

هر هفت : هفت آرایش زنان که عبارت از حنا و وسمه و سرخاب و سپیداب و سرمه و زرک باشد، و هفتم را بعضی غالیه و بعضی خال شمرده اند . (نظامی ، دستگردی ، ۱۳۸۳ ش ، ۳۹۰)
شیرین برای دلربایی خسرو از هفت قلم آرایش استفاده می کرد .

چو هر هفت آنچه بایست از نکویی بکرد آن خوبروی از خوبرویی

ص ۳۲۶ - ب ۱۲

" هر هفت کردن در نکویی : نکویی را به حد کمال و تمام انجام دادن .

نکته - در اشعار نظامی اغلب « خوبی » به معنی زیبایی و کلمه « نکویی » در مفهوم احسان و نیکی کردن به کار می رود و در این بیت « نکویی » را در دو معنی پیش چشم داشته است : الف - آراستگی و خود را آراستن و سر و وضع خود را مرتب کردن . ب - احسان کردن در حق خسرو از جهت نمودن زیباییهای خود به وی . " (نظامی ، ۱۳۶۶ ش ، ثروتیان ، ۹۹۲)

(خوبروی ، خوبروی) جناس (هفت قلم آرایش) کنایه از آرایش زیاد

بويا کردن مردگان

در ابیات ذیل به ترتیب شستشو ، بويا کردن ، به تابوت نهادن و تشیع جنازه خسرو و گریه کردن شیرین برای او را بیان می کند .

برآن اندام خون آلود می ریخت گلاب و مشک باعنبربرآمیخت
چنان کز روشنی می تافت چون نور فروشستش به گلاب و به کافور
بسازیدش کزان بهتر نسازند چنان بزمی که شاهان را طرازند

چو شه را کرده بود آرایشی چست به کافور و گلاب اندام او شست

ص ۴۱۹ - ب ۱۳ - ۱۱

(گلاب ، مشک ، عنبر) تناسب

علوم و فنون

علاوه بر آنچه گفته شد نظامی نه تنها یک شاعر بلکه به معنای واقعی یک حکیم است لقبی که در طی گذشت قرن‌ها از تاریخ تمدن و فرهنگ ایران زمین به تعداد اندکی از بزرگان سرزمینمان اختصاص یافته است او علاوه بر شاعری به تمامی علوم عقلی و نقلی دوران خویش آگاهی داشته و اشعار او بیانگر این مطلب می باشد او در اشعارش به مباحث علمی نظیر طب ، نجوم ، کلام ، فلسفه ، جامعه شناسی ، مردم شناسی ، روانشناسی ، کشورداری و غیره پرداخته است.

طب عامیانه

خون سیاوشان

در اندرز ختم کتاب بی‌تی آمده است که در آن به درمان سر درد و خواص دارویی گیاه خون سیاوشان و همچنین اثر درمانی حجامت اشاره شده است .

طیب روزگار افسون فروش است چو زرقان از آن ده رنگ پوش است
علاج الرأس او انجیدن گوش دم الاخوین او خون سیاوش

ص ۴۴۱ - ب ۱۵ - ۱۳

یعنی طیب افسون فروش روزگار گاه علاج درد سر گوش را سوراخ می کند و دم الاخوین که بهترین دوی اوست خون سیاوش است در طب قدیم برای دفع درد سر گوش را تیغ می زده اند.
دم الاخوین : گیاهی است که به پارسی « خون سیاوشان » می گویند . (نظامی ، دستگردی ، ۱۳۸۳ ش ، ۴۴۱)

تب و صفرا

اگر چه طبع جوید میوه تر اگر چه میل دارد دل به شکر
ولی تب کرده را حلوا چشیدن نیرزد سالها صفرا کشیدن

ص ۱۵۲ - ب ۳ - ۲

به عقیده پیشینیان تب از صفرا تولید می شود و حلوا هم مؤلّد صفراست. (نظامی، دستگردی، ۱۳۸۳، ۱۵۲)

اگر شیرین سر پیکار دارد رطب دانی که سر با خار دارد

مکن سودا که شیرین خشم ریزد ز شیرینی بجز صفرا چه خیزد؟

مرنج از گرمی شیرین رنجور که شیرینی به گرمی هست مشهور

ص ۳۴۵ - ب ۱۶ - ۱۴

یعنی از طبیعت خشم ریز صفرای شیرین سودایی و آشفته مشو. (همان، ۳۴۵)

صفرا یکی از اخلاط چهارگانه است که به اعتقاد قدما ازدیاد آن باعث جنون و غضب می شود.

به یک صفرا که بر خورشید رانده فلک را هفت میدان باز مانده

ص ۵۳ - ب ۱۴

مزاج صفرای تند و غضبناک است، یعنی به یک جنبش و حمله صفراوی که به طرف خورشید

رانده، هفت میدان از آسمان پیشی گرفته. (همان، ۵۳)

ترشی و سرکه را دافع صفرا و روغن را مولد صفرا گفته اند :

گهی نیشی زند، کاین نوش اعضاست گه آرد ترشیی، کاین دفع صفراست

ص ۴۴۱ - ب ۱۴

نظامی با کوتاهترین جملات ممکن یکی از بزرگترین مسائل جهان بینی که اعتقاد به علت و

معلول و یا سبب و مسبب را دلیل وجود خدا می داند را زیباترین شکل ممکن به زبانی عامه

پسند و عامه فهم بیان کرده است .

بلی در طبع هر داننده ای هست که با گردنده گرداننده ای هست

ص ۷ - ب ۱

تربیت کودک

کسی بر نار بن نارد لگد را که تاج سر کند فرزند خود را

درخت تود از آن آمد لگد خوار که دارد بچه ی خود را نگونسار

ص ۴۱۳ - ب ۹ - ۸

از درخت توت و انار تصویر ساخته و ارزش تربیت و مربی را نشان داده است. انار را دانه دانه می‌چینند اما توت را با تکان دادن شاخه‌ها و اغلب با لگد زدن به درخت و ضربه زدن به شاخه‌ها جدا می‌کنند.

یعنی چون درخت انار میوه و فرزند خود را بر سر خود می‌گذارد، کسی به او لگد نمی‌زند ولی درخت توت چون ثمر و زاده‌ی خود را نگویند سازد، از آن روی لگد خوار است. (نظامی، دستگردی، ۱۳۸۳، ش، ۴۱۳)

چه سازد با تو فرزندات، بیندیش همان بیند ز فرزندان پس خویش

ص ۴۶ - ب ۱۶

یعنی هر چه فرزند تو از نیک و بد با تو می‌کند، بیندیش و بدان که همان را از فرزند خود خواهد دید. (همان، ۴۶)

تو نیکی، بد نباشد نیز فرزند بود تره به تخم خویش مانند

ص ۴۱۳ - ب ۱۰

تره به تخم خود می‌ماند: مثل سایر و معروف است.

از این ناخوش نیاید خصلتی خوش که خاکستر بود فرزند آتش

ص ۴۱۲ - ب ۹

یعنی از این ناخوش روی صفت خوش نمی‌آید و از آتش جز خاکستر هرگز نخواهد زاد. ترجمه‌ی یک ضرب‌المثل ترکی است. (همان، ۴۱۲)

ضرب المثلها

گذشته از اینها به نظر حقیر مهم‌تر از آنچه تا کنون اشاره شد نظامی مرد اخلاق و حکمت است چرا که در کنار بیان داستانهای عشقی محور و هدف او نقل و انتقال فرهنگ مردمی، مردم دوستی و انسانیت است او در لا به لای نقل داستانهایش هر جا که فرصتی یافته، چه از زبان قهرمانان داستان و چه از زبان خودش به پند و اندرز پرداخته و مانند معلمی به تعلیم درس وفاداری،

درستکاری ، رفتار ، کردار و پندار نیک پرداخته است بسیاری از این مسائل را در ابیاتی از او که به صورت ضرب المثل در آمده و در کوچه و بازار بر زبان مردم جاری است - و شاید گاهی بی آنکه بدانند گوینده این مطالب ارزشمند و زیبا کیست - نمود پیدا می کند . او در نا کجا آباد خود خسته و دلگیر از « مدینه جاهله » دوران خود به دنبال « مدینه فاضله » می گردد .

سخن کم گوی ، تا در کار گیرند که در بسیار ، بد بسیار گیرند

ص ۳۰ - ب ۱۶

ازان سرد آمد این کاخ دلاویز که چون جا گرم کردی ، گویدت : خیز

ص ۹۸ - ب ۱۲

قصر دلاویز کنایه از دنیا ست .

غم روزی مخور تا روز ماند که خود روزی رسان روزی رساند

ص ۱۷۹ - ب ۳

یعنی تا عمر و روز تو مانده و باقی است ، غم روزی مخور . (همان ، ۱۷۹)

و در خاتمه برای حکیم بزرگواری که با هنرمندی دقیق ترین و ژرف ترین مسائل حکمی و فلسفی و تربیتی را در لفافه داستان و با زبانی ساده و صمیمی و در عین حال لطیف و استوار یادآور شده تا ما آدمیان را به سوی پیمودن راه تعالی و کمال انسانیت راهنما باشد آمرزش می طلبیم .

خدایا ، هر چه رفت از سهو کاری بیامرز از کرم ، کامرز گاری
روانش باد جفت شادکامی که گوید : باد رحمت بر نظامی

نتیجه گیری :

حاصل این تحقیق و بررسی نشان می دهد که احاطه ی شاعر به علوم و دانش های عامه ی زمان خود از جمله نجوم و طب و کثرت اشارات شاعر به مثل ها، لغات و اصطلاحات عامیانه و بهره گیری او از فرهنگ اساطیری کهن، باورها، و اعتقادات، آداب و رسوم و شیوه های معیشتی مردم، زمینه ی مساعدی را برای ورود فرهنگ عامه در آثارش فراهم ساخته است و دیگر اینکه در این اثر جاودان نظامی با آنکه مضمون و رنگ و بوی عاشقانه دارد، اخلاقیات، حکمت و ظرافت های رفتار فردی و اجتماعی به چشم می خورد؛ به طوری که می توان گفت که این منظومه پیش از آنکه « دفتر شعر» باشد مجموع قوانین و آداب زندگی است و با آنکه شعرای بسیاری پس از او سعی در تقلید این اثر داشته اند ولی هیچ یک نتوانسته اند به زیبایی او و با استفاده از فرهنگ عامه به نشر و ترویج روش « به زیستن» بر مبتای احترام و اصول پسندیده ی رفتار با دیگران بپردازند مضافاً بر اینکه نظامی چنان تسلط و قدرت در سخنوری دارد که کلمات چون موم در فکر و ذهن او به هر شکلی که لازم است با حفظ معنا و ظرافت انگیخته می شود او با استادی تمام با لحن و زبان مردم و با استفاده از واژگان و کلمات مورد استفاده مردم و بکارگیری آداب و رسوم رایج در بطن جامعه آن روز از مردم با مردم و برای مردم می گوید و همین نکته باعث رواج اشعار او در بین مردم عامی و کوچه و بازار گردیده است به طوری که اکثر ابیات ایشان را به صورت ضرب المثل به کار می برند و از حکمت های نهفته در آن بهره مند می شوند این نزدیکی و صمیمیت باعث ایجاد احساس شغف و همدلی در عامه مردم می شود .

فهرست منابع

الف (کتب

- ۱- زرین کوب ، عبدالحسین ، با کاروان حله ، چاپ شانزدهم ، تهران ، علمی ، ۱۳۸۹ ش.
- ۲- ستوده ، هدایت الله و شهبازی ، مظفرالدین ، جامعه شناسی در ادبیات ، چاپ دوم ، تهران ، نشر آوای نور ، ۱۳۸۸ ش.
- ۳- کتیرایی ، محمود ، خشت تا خشت ، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، ۱۳۴۸ ش.
- ۴- ماسه ، هانری ، معتقدات و آداب ایرانی ، ترجمه مهدی روشن ضمیر ، انتشارات تاریخ و فرهنگ ایران ، ۱۳۷۸ ش.
- ۵- نظامی گنجوی ، الیاس بن یوسف ، خسرو و شیرین ، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی ، به کوشش سعید حمیدیان ، چاپ پنجم ، تهران ، نشر قطره ، ۱۳۸۳ ش.
- ۶- نظامی گنجوی ، الیاس بن یوسف ، خسرو و شیرین ، به تصحیح دکتر بهروز ثروتیان ، چاپ اول ، انتشارات توس ، ۱۳۶۶ ش.

ب (فرهنگها

- ۱- دهخدا علی اکبر ، لغت نامه دهخدا ، چاپ پنجم ، انتشارات امیرکبیر .
- ۲- شمیسا ، سیروس ، فرهنگ تلمیحات ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات فردوسی ، ۱۳۶۶ ش.
- ۳- مصفی ، ابوالفضل ، فرهنگ اصطلاحات نجومی ، چاپ دوم ، تهران ، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، ۱۳۶۶ ش.
- ۴- معین ، محمد ، فرهنگ فارسی ، چاپ نهم ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۷۵ ش.

ج (مقالات

- ۱- جنگی قهرمان ، تراب ، زبان صمیمی ، فصلنامه پژوهشی ادبی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد تهران مرکزی ، ۱۳۸۳ ش.
- ۲- دادبه ، اصغر ، تجلی برخی از آراء کلامی فلسفی در اشعار نظامی ، ویژه نامه نظامی فرهنگ ، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ، تهران ، چاپخانه سعیدنو ۱۳۷۱ ش.
- ۳- شازده احمدی ، نور الدین ، خمسه نظامی از دیدگاه پزشکی ، ویژه نامه نظامی فرهنگ ، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ، تهران ، چاپخانه سعیدنو ۱۳۷۱ ش.